

# دعای ندبه

تقریر: حضرت آیت‌الله علامہ برقی

# دعای ندبه

این روزها دو بین جامعه مسلمانان شیعه ایران صحبت از دعای ندبه است، حجة الاسلام موسوی از وعظ مشهور در جزوه‌ای که انتشار داده‌اند خواندن دعای ندبه را بی‌مدرك و برخلاف موازین دین مبین اسلام دانسته‌اند، و چراغ اسلامی ندای حق و مکتب اسلام به نویسنده جزوه حمله کرده‌اند. جبهه‌ای دو برابر کسانی که طرفدار دعای ندبه نیستند تشکیل داده‌اند...  
عده زیادی از خوانندگان مجله از ما خواسته‌اند نظر خود را ابراز آریم و بنویسیم حق با کدام طرف است، چون اکثر خوانندگان مجله نوشته‌های طرفین را خوانده‌اند از نقل قولها و نوشته‌ها صرف نظر می‌کنیم و بعنوان «بحث آزاد» نظر حضرت آیت‌الله علامه برقی که از نظر ادای تکلیف شرعی برای از بین بردن بغضت، بخصوص بدعتی که قرآن نوا بنی می‌کند، «مخوم» فرموده‌اند و بدقتش مجله فرستاده‌اند درج می‌نمایم...

نظر ما اینست آنچه حق و حقیقت است آشکار میشود و تردید نمیتواند برای همیشه مردم را تحت سیطره خود نگاهدارد.

بسمه تعالی

# برای خاطر يك دعا، قرآنرا بی اعتبار میکنند

رسول خدا (ص) فرموده اذا ظهرت البدع فرأيتي فعلى العالم ان يظهر علمه والافعليه لعنة الله و الملائكة والناس اجمعين ، یعنی چون بدعتها در میان امت من پیدا شد برعالم است که علم خود را برای آرزین بردن آن ظاهر کند وگرنه خدا و فرشتگان وهمه مردم او را لعنت می کنند ، عده ای از ترس کسادى بازار و کم شدن همريد در مقابل بدعتها و خرافات ساکنند وعده ديگر برای آن که خود را بمرجعيت برسانند و طرف توجه ملت شوند بدعتها را امضا وتصويب میکنند ولی باید دانست بدعت موقعی آشکار میشود و طرفدار پیدا میکند که قرآن کنار رود و طرفدار او کم و بی اعتبار شود تا جایی که بگدما و یا يك فتوی و یا خبر معمولی را بر قرآن ترجیح میدهند ، در این روزها سروصدائی بلند شده راجع بدعاى نديبوصحت و بطلان آن ، تعجب وتاسف ما این است که چگونه طرفداران ايندعا قرآن را کان لم یکن پنداشته و آنرا از اعتبار انداخته وتوجهی ندارند ، جملات بسیاری در این دعا بچشم من خورد که قبول آنها موجب بی اعتباری قرآنست . ما ببیان بعضی از آن جملات پرداخته فقط برای خشنودی خدا پرده از آن برمیداریم .

۱ - جمله یابن من ذنی فتدلی فکان قاب قوسین او اذنی دنوا و اقترابا من العلی الاعلی ، این جمله راجع بعظمت جبرئیل است که خدا در سوره النجم آیه ۵ تا ۹ فرموده علمه شدید القوی ، دومره فاستوی وهو بالافق الاعلی ثم ذنی فتدلی فکان قاب قوسین او اذنی فلوخی الی عبده ما اوحی ، یعنی ملك وحی بلو آموخت آن ملكی که دارای نیروهای محکم وصاحب توانائی بود پس راست بایستاد درحالی که بالفق بالاتری بود سپس نزدیک شد و خود را پائین آورد پس باندازه دوگمان یا نزدیکتر شد پس وحی کرد به بنده او آنچه وحی کرد، در این آیات خدا وصف

جبرئیل را بیان کرده ولی در دعای ندبه شاید خیال کرده این اوصاف مذکوره از پیغمبر است و با امام زمان خطاب کرده و او را فرزند پیغمبر دارای چنین اوصاف خوانده و با امام را فرزند جبرئیل دانسته بهر حال جمله دنیا او اقربا بن علی الاعلیٰ را خود افزوده و میخواهد بگوید جبرئیل و یا بگو پیغمبر را بخدا برساند تا اینجا بدون تناسب قرآن را از فصاحت و اعتبار انداخته و اوصاف جبرئیل را بر رسول خدا بسته و امام زمان را فرزند او خوانده.

۲ - جمله یابن النبیاء العظیم که خطاب با امام میگوید ای پسر نباء عظیم و طبق اخبار مجعوله علی علیه السلام را نباء عظیم فرض کرده و امام زمان را فرزند او میخواند ولی باید دانست که نباء عظیم در قرآن قیامت است زیرا سوره عم يتساللون عن النبیاء العظیم الذی هم فیه مختلفون و هم چنین سوره ص آیه ۶۷، قل هو نباء عظیم انتم عنه معرضون ایندو سوره هر دو مکی است و در مکه اول بعثت نازل شده و خطاب به مشرکین است که در معاد و قیامت اختلاف داشتند و از آن معرض بودند حقیقی در سوره عم فرموده که مشرکین سؤال میکنند از نباء عظیم و خیر بزرگ قیامت که در آن اختلاف دارند و بهمین زود بها خواهند فهمید روزی که فوج فوج احضار شوند یوم یفتح فی الصور فتانوا افواجا و هم چنین در سوره ص شما به آیات قبل و بعد آن نظر کنید، پس این آیات مربوط بعلی علیه السلام نبوده و در اوائل بعثت و قبل از هجرت نازل شده و در آن وقت کسی اختلاف در شئون علی و امامت او نداشت تا خدا آیه نازل کند، حال اگر ما بخواهیم جمله یا بن النبیاء العظیم ندبه را بپذیریم باید بدون تناسب قرآن را لغو فرض کرده و از اعتبار بیندازیم و بدون تناسب بگوئیم نباء عظیم علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۳ - جمله یابن من هو فی ام الکتاب لدی الله علی حکیم که در ندبه خطاب با امام میگوید ای پسر آن که در ام الکتاب نزد خدا علی حکیمی، و علی در این آیه را علی بن ابیطالب فرض کرده و امام زمان را فرزند او خوانده در صورتی که این آیه چهارم سوره زخرف است که خدا فرموده والکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی قسم باین کتاب بیان کننده که ما آن را عربی قرار دادیم تا شما تعقل و تفکر کنید و بدرستی که این قرآن نزد

ما در لوح محفوظ والا و با حکمت است ، پس این آیات بطور صریح در  
وصف قرآن نازل شده و یعنی علیه السلام مربوط نیست و اگر بخواهیم در  
وصف علی قرار دهیم باید قرآن را بی تناسب و بی مورد گوئیم فرض کنیم تا  
اینکه دعای ندبه را تصحیح نمائیم در دعای ندبه حملات صد قرآن و عقل  
بسیار است که در حقیقت دستبرد بقرآن کرده و آیات آن را طبق مقاصد  
غلو خود آورده دانشمندان بیدار دیندار باید از قرآن طرفداری کنند و  
نگذارند هر کسی آیات آن را برای شخصی خود تفسیر بلکه تخریب نماید و  
آنرا از حجت و ظهور بلکه از صراحت آن را منحرف سازد ، نباید برای  
حفظ یکدعا قرآن را بی اعتبار ساخت ائمه هدی علیهم السلام بکرر فرموده اند  
که قرآن حجت الهی است و هر چه از ما برای شما نقل شد از خیر  
و یا دعا اگر مخالف قرآن بود آنرا رها کنید و ما ائمه مخالف قول خدا  
نمیگوئیم کسی نیست بطرفداران ندبه بگوید یابن المعجزات الموحده  
یعنی چه معجزات موجوده اگر قرآن است دیگر یابن الایات و الیسئبات  
چیسب یابن یس والذاریات چیست و و و و ... بکثرت آخوند خراسانی نشریه  
صادر کرده و میگوید مقصود از آیه ۸۵ سوره شعرا که حضرت ابراهیم  
عرض کرده و اجمل لی لسان صدق فی الاخرین ، علی بن ابیطالب است  
چرا برای اختیار معموله فلاه و برای حفظ دعای ندبه ما بچنین آخوندی  
کاری نداریم ولی از نویسندگان مکتب اسلام که دارای دانش و فضلند توقع  
داریم که بعوض بیان حقائق تعصبات باطله و خرافات را نمایند و  
قرآن را بیش از هر چیز مراعات کنند مکتب اسلام نمیتوانستند مقصود از  
علیا بن قصه حضرت ابراهیم و جعلت ذلک علیا که در دعای ندبه آمده  
علی وصفی است که بمعنی عالی و کامل باشد خیلی خوب قبول ولی با  
آن کسی که آمده ای از عوام او را حجة الاسلام میدانند و آمده بر ضد  
نظریه مکتب اسلام نشریه صادر کرده چه باید کرد این آقا میگوید  
طبق تفاسیر ائمه و تمام علماء شیعه مقصود از علیا در اینجا علی اسمی  
یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام است آیا جلوا بن حجة الاسلام و این تفاسیر  
را چه کس باید بگیرد آیا مروجین اسلام چرا ضد و نقیض بکذکر میگویند  
آیا مکتب اسلام این تفاسیر را تدیده و اگر تدیده چرا نادیده گرفته کسانی  
که قرآن را از اعتبار ساقط کرده اند و راجع بآیه سوره شوری قل لانیلکم  
علیه اجرا و آیه ۴۷ سوره سبا ما سللتکم من اجر فهو لکم بد صورتی که

هر دو سوره مکی است و خطاب بشرکین میباشد ، میگویند و آیه مزبور  
 مدنی بوده و خطاب بمومنین شده و این دو آیه مدنی بدون تناسب در  
 دو سوره مکی داخل شده عجب این است که همین حجة الاسلام زنجانی  
 و حجة الاسلام دیگری در روزنامه ندای حق همین را میگویند و قرآن را  
 منشوش وبدون نظم جلوه داده اند نه از خدا میترسند و نه از قیامت  
 برای حفظ دعای ندبه و متوجه نشده اند که تناسب آیات قبل و بعد هر  
 سوره اساس تبلیغ منظم قرآن و اعجاز آنست که هرگاه این اساس را  
 در نظر بگیریم باعث بی نظمی قرآن و ایجاد تفرقه ها میشود بلی هرگاه  
 آیه ای مربوط بسوره ای باشد که مدتها قبل از این نازل شده رسول  
 خدا آن را در آخر سوره گذاشته تا نظم آیات بهم نخورد بهر حال حفظ  
 قرآن و اعتبار آن از صد هزار دعا و خیر واجب تر است، اینجانب چون  
 مکتب اسلام را خواندم تعجب بسیار کردم زیرا از نویسندگان فاضل آن  
 توقع نداشتم که یکجا بنویسد دعای ندبه منبع الهام بخشی است برای  
 میاژات اجتماعی و بر ضد ظلم ، در صورتی که دعای ندبه منبع الهام بخشی  
 است برای قبول ظلم وستم و برای سکوت تا اینکه امام زمان بیاید و  
 خودش اصلاح کند زیرا دعای ندبه میگوید این المعدل قطع دابر الظلمة  
 این المنتظر لإقامة الامت و الموج این المرتجی لارألة الجور و المعدوان  
 یعنی کجا است آنکه مهیا شده برای قطع دنیاله ستمگران کجا است  
 آنکه او بیاید کجها را راست کند کجا است آن که باو امیدواریم دفع  
 جور و ستم کند، معنی این جملات این است که ملت باید منتظر او باشد  
 و دست از پا خطا نکند گویا ملت مکلف نیست جز برای ندبه وزاری و  
 نعمة من غریبا کردن تا بهمین چیزها دل خود را خوش و حرارت خود را  
 خاموش و ستمگران هم برخوردار ساز باشند تا امام بیاید استعمار  
 چقدر خورسند است که دهها هزار نفر بندیه وزاری مشغول باشند و  
 یکبار او کاری نداشته باشند ، شما اگر از هر يك از خوانندگان دعای  
 ندبه بیوسی آقا در مقابل این همه كفر و جور و ستم چه باید کرد در  
 جواب میگوید امام زمان باید بیاید خودش اصلاح کند آیا سزاوار نبود  
 مکتب اسلام مطلب باین روشنی را بیان کند و لا اقل ضد آنرا نکوید و

بخوانندگان خود بگویند که فعلا دولت و ملت باید برای اصلاح بکوشند و متحد شوند نه این که تنبلی را شمار و ندبه و زار برآمدار کار خود قرار دهند. شخص نادانی از مکتب اسلام در شماره ۶ سال ۲۳ سئوالمی کرده راجع به دعای ندبه و گویند امام همه جا حاضر و ناظر است و این ما هستیم که او را تشخیص نیدهیم، آن مجله جواب این جناب است که گفت آمیز را نداده که صفت لامکانی و حضور همه جا مخصوص خداوند است که جسم و جوهر محدود نیست و این شرک و غیر خدا نیست که امام را متصف بصفات خدائی بدانیم امام همه جا حاضر است لابد تمام جنابها و جوهر و ستمها را می بیند پس چرا ناراحت نمیشود و چرا نهی از منکر نمیکند مگر امام بشر نیست آیا مدرک حضور امام همه جا چه میباشد کدام دلیل عقلی و شرعی این شرک را تصویب کرده سزاوار بود مکتب اسلام او را ارشاد کند نه این که اینجا سکوت کند و فقط برای تثبیت دعای ندبه قلم فرسایی کند آیا نفی شرک بهتر است یا اثبات بگدها که طرفداران آن آنرا مستحب میدانند تعجب است که ایندها بیشتر از توحید طرفدار دارد. اگر کسی منکر خدا بشود یا او کاری ندهاند اما اگر منکر یکی از خرافات شود فریاد ایشان با آسمان میرسد خدایتعالی در صد آیه از قرآن فرموده غیر ما نخوانید و غیر ما قاضی الحاجات ندانید، آیا خواندن امام و رسول مدرکی دارد آیا دعای ندبه خواندن غیر خدا نیست آیا پرهیز از شرک لازم نیست آنان که مسیح و یا بودا را میخوانند چرا مشرک می دانید با اینحال آقای رشاد زنجانی نشریه داده و تمام آیاتی که میگوید غیر خدا را نخوانید بمیل خود تفسیر به رای کرده و میگوید مقصود از خواندن غیر خدا بعنوان پرستش است نه بعنوان واسطه او خیال کرده بین خالق و مخلوق دوری و بعدی و بلکه واسطه ای میباشد و یا خدا بی خبر از دعای بندگان و باکراست و یا غیر خدا را مهربانتر از خدا میداند ادعوی استعجاب لکم را تفسیر کرده «بادعو مقرب درگاهی» و تازه خود بدیگران اعتراض دارد که چرا قرآن را تفسیر به رای کرده اند قواعد عرف عرب تفسیر کرده مردود میدانید ولی خودتان برخلاف قواعد مرتکب تفسیرهای به رای شده اید و شرک را بجای توحید آورده اید.

ایشان خیال میکنند که فتوای بی مدرک و یا کتاب دعای فلان مقدس  
 قدیمی اهل غلو برای تثبیت بدعتها مدرک و دلیل میشود در دعای ندبه  
 حسارت کرده بخدا میگوید و قلته ما سئلتکم من اجر فهلکم یعنی خدا یا  
 بگوئی اجری که سؤال کردم پسوند شماست در صورتی که خدا از کسی  
 سؤال اجر نکرده بلکه بر رسول خود فرموده تو چنین یگو قل ما سئلتکم  
 من اجر و متوجه نشده که این آیه قرآن کلمه قل دارد و نباید قرآن را کم  
 و زیاد کند خواننده عزیز رجوع کن بشوریه سبأ آیه ۴۷ تا حقیقت را  
 دریابی مختصر این که نویسنده فاضل متدین نباید طبق میل عوام چیز  
 بنویسد و مانند سایر مجلات روز، عرضه را طبق تقاضا بی آورد مکتب اسلام  
 در شماره ۷ هجری سال برای تصحیح سند دعای ندبه قول چند نفر آخوند  
 قدیمی اهل غلورا که اهل رجال ایشان را به تقدس شناخته اند ذکر کرده  
 ما نصیدانیم چگونه مقدسین تهروان مردودند اما مقدسین اهل غلو مقبولند  
 البته قول هیچ کدام سند و مدرک نمیشود و قول ایشان حجت نیست ولی  
 مکتب اسلام در اینجا چند اشتباه کرده یکی این که میگوید بزوفری سازنده  
 دعای ندبه ثقة و استاد شیخ مفید و در زمان غیبت صغری بوده و شاید  
 این دعا را از امام گرفته، ما از غفلت این فضلا تمجب داریم اول بزوفری  
 که ثقة و استاد شیخ مفید است نامش حسین بن علی بن سفیانست ولی  
 مؤلف دعای ندبه نامش محمد بن حسین و مجهول الحال است ثانیاً هیچ  
 کدام نه پدر و نه فرزند در غیبت صغری نبوده اند ثالثاً ایشان از وکلاء  
 ناحیه مقدسه نبوده اند تا این دعا را از امام بگیرند الحمدلله پس از  
 اینهمه گفتگوهای طرفین ثابت و محقق شد که دعای ندبه سند و مدرکی  
 نداشته و مردی پیدا نشد که ده هزار تومان جایزه حلال را از نویسنده  
 بررسی از دعای ندبه یعنی حضرت حجه الاسلام والمسلمین سید مجاهد  
 آقای حاج سید علی احمد موسوی دامت فیوضاته دریافت کند بهر حال  
 ما بیداری و توفیق همه را خواستاریم والسلام